



پیام رهبر انقلاب اسلامی به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی - 2 / آذر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

سالگرد تشکیل بسیج مستضعفان، یادآور خاطره‌ی پرشکوه مجاهداتی است که در دوران هشت‌ساله‌ی جنگ تحمیلی، زیباترین تابلوهایی ایثار و فداکاری همراه با نجابت و فروتنی و توأم با شجاعت و رشادت را ترسیم کرده است؛ خاطره‌ی جوانمردان پاکدامن و غیوری که شیران روز و زاهدان شب بودند و صحنه‌ی نبرد با شیطان زر و زور را با عرصه‌ی جهاد با نفس اماره به هم آمیختند و جبهه‌ی جنگ را محراب عبادت ساختند؛ جوانانی که از لذات و هوسهای جوانی برای خدا گذشتند، و پیرانی که محنت میدان جنگ را بر راحت پیرانه‌سر ترجیح دادند، و مردانی که محبت زن و فرزند و یار و دیار را در قربانگاه عشق الهی فدا کردند؛ خاطره‌ی انسانهای بزرگ و کم‌ادعایی که کمر به دفاع از ارزشهای الهی بستند و از هیبت دروغین قدرتهایی که برای حفظ فرهنگ و ارزشهای جاهلی غرب به مصاف ارزشهای الهی آمده بودند، نهراسیدند؛ خاطره‌ی صدها هزار جوانمرد روستایی و شهری، کاسب و کارگر، دانشجو و طلبه، پزشک و پرستار، مهندس و هنرمند، اداری و بازاری، پیر و جوان که عاشقانه به نداهایی مکرر امامشان و محبوبشان و سلسله‌جنبان عشق مقدسشان - حضرت امام خمینی (علیه‌السلام) - پاسخ گفتند و رو به خدا و پشت به دنیا کردند؛ برخی فوز شهادت یافتند و بعضی با اسارت و جراحت و نقص عضو آزمایش شدند و برخی جسم و جان مبارک خود را که سرشار از فیض و نور شده بود، سالم و کامل به خانه برگرداندند، تا همچون ذخیره‌ی برای دفاع در روز احتیاج، و در خدمت اسلام و انقلاب و میهن و ملت، از آن نگهداری کنند؛ "فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظرو ما بدلوا تبدیلاً".

هفته‌ی بسیج، همچنین سرشار از یاد و نام آن بزرگمرد جهانداری است که ندای دعوتش همچون صلابی ربوبی در روز الست، فطرتها را مخاطب می‌ساخت و از اعماق جان بلی‌گویان جواب می‌گرفت؛ خود عاشق بود و عاشقانه سخن می‌گفت؛ بنده‌ی سلم خدا بود و دلها را سلم خود می‌ساخت؛ دردمندانه می‌خروشید و دردهای مهلکی را که افیون مخدر شیطانها از یاد آدمیان برده و از درمان محروم ساخته بود، علاج‌جویانه به احساس آنان برمی‌گردانید و به درمان نزدیک می‌ساخت...؛ یاد و نام امام خمینی بزرگ که خداوند فتح‌الفتوح تصرف دل هشیاران این ملت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی، قلعه‌های تصرف‌ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و رأس استکبار - یعنی امریکای جهانخوار - را مرعوب ساخت و تخت امپراتوریهای بی‌منازع را متزلزل ساخت؛ مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته‌های مقاومت اسلامی را با دم گرم و صدای امیدبخش خود متشکل ساخت؛ جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لابلاهای هزاران مانع و مزاحم و معارض، سلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناکترین دشمنان آن - یعنی سردمداران نظامهای غربی - را بارها دچار ناکامی ساخت و متولیان نظامهای شرقی را از موضعی استوار و مسلط، به بطلان اندیشه‌های مذهب ستیز و انسان‌گریزشان هشدار داد، و هنوز یکسال از نامه‌ی پیامبرگون و تاریخی او به رأس هرم قدرت دنیایی شرق نگذشته، اکنون جهان شاهد فروپاشی نظامهای مارکسیست در سراسر جهان است.

آری، رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خود را بسیجی می‌شمرد و بدان افتخار می‌کرد، جهانی را در مقابله با استکبار و قدرتهای ستمگر عالم بسیج کرد و خواب راحت را از چشم زورگویان زدود و نور امید را که کلید همه‌ی پیروزیها و پیشرویهاست، در دل ملت‌ها تابانید. بی‌شک همه‌ی دستگاههای استکبار نیز به آسانی نخواهند توانست بذری را که او پاشیده، جمع کنند و بنایی را که او پی افکنده، ویران سازند؛ اگرچه بشدت و قساوتی عنادآمیز، با نتایج و ثمرات جهاد بزرگ او در مبارزه و معارضه‌اند.

در سالگرد بسیج، نکته‌ی مهمی که بسیجیان و همه‌ی ملت ایران باید بدان توجه کنند، این است که قدرتهایی



استکباري غرب، امروز در همه جا خود را با اسلام روبه‌رو مي‌بينند. آنان از اسلام احساس خطر مي‌کنند. آنان هر نشانه‌ي اسلامخواهي را، طليعه‌ي خطري جدي براي قدرت و منافع خود تلقي مي‌کنند. بديهي است که اسلام ناب محمدي (صلي الله عليه و آله) که ظلم و فساد و انحطاط اخلاقي را در محيط زندگي بشر تحمل نمي‌کند، براي نظامهاي که بر پايه‌ي ظلم و فساد و انحطاط بنا شده‌اند، خطري حقيقي است. اين است که همه‌ي قدرتهاي شيطاني عالم، امروز در مصاف جلوه‌هاي اسلام، از خشن‌ترين روشهاي برخورد استفاده مي‌کنند و بديهي‌ترين اصولي را که تا کنون شعار داده‌اند، زير پا مي‌گذرانند.

در فلسطين اشغالي، مسلماناني که بي‌اعتنا به سازشکاريهاي خائنه، با دست خالي به مبارزات حق‌طلبانه ادامه مي‌دهند، با روشهاي خشن و غير انساني سرکوب مي‌شوند و زن و کودک و پيرشان به دست سربازان دستورگرفته‌ي صهيونيست شکنجه و تارومار مي‌شوند و از اين همه مدعيان حقوق بشر از دولتهاي غربي صديقي برنمي‌خيزد و امريکا و انگليس و برخي ديگر، حمايت عملي و تشويق زباني هم مي‌کنند!

در لبنان، علاوه بر اردوگاههاي آوارگان مظلوم فلسطيني، خانه و کاشانه‌ي مسلمانان لبناني به وسيله‌ي جتهاي اسرئيلي بمباران مي‌شود و زن و مرد و پير و جوان رهگذر و غير نظامي به خاک و خون کشيده مي‌شوند و روحاني موجه و محترمي، نيمه شب به وسيله‌ي مزدوران صهيوني از خانه‌ي خود ربوده مي‌شود، و از ميان اين همه دولت غربي که سالهاست محکوم کردن تروريسم و آدم‌ربايي را ترجيع‌بند همه‌ي حرفهاي خود قرار داده و به قصد کسب وجهه، مدام هر دولت مخالف منافع خود را بدان متهم مي‌دارند، حتي يك نفر هم در برابر اين حرکتهاي زشت و وحشيانه‌ي تروريستي، موضعي جدي نمي‌گيرد و از اين که دولتي اين‌طور قلدرانه به خانه‌ي مردم کشوري ديگر بمب بريزد، يا از آن آدم بربايد، متاثر نمي‌شود!

در بعضي کشورهاي اسلامي و در سايه‌ي دولتهاي خودباخته در برابر غرب، خالص‌ترين و غيورترين مسلمانان به چشم عناصر خرابکار نگريسته شده و با شدت و خشونت و با حبس و زجر و اعدام با آنان رفتار مي‌شود. در اروپا و در کشورهايي که خود را مهد تمدن و دمکراسي مي‌شمارند، مسلمانان دچار تبعيض و حق‌کشي و حتي فشار و سرکوب قرار مي‌گيرند و صريحا به جرم پايبندي به اسلام محکوم مي‌شوند.

آنچه در هفته‌هاي اخير در فرانسه و بعضي ديگر از کشورهاي اروپايي "جنگ روسري" ناميده شد، در واقع مبارزه‌ي سراسيمه و ناشيانه‌يي از سوي سردمداران فرهنگ غربي با پديده‌هايي است که آنان آن را جهش برقي از فرهنگ اسلام و نشانه‌ي نفوذ روزافزون اسلام تلقي مي‌کنند و در مقابل با آن به قدري صبر و متانت را از دست مي‌دهند که يکباره رؤساي کشور به مبارزه‌جويي در برابر چند دخترچه‌ي متعبد و چند خانواده‌ي مقيد مسلمان ظاهر مي‌شوند! اينها همانهايند که فرياد دفاع رياکارانه‌شان از آزاديها و تمايلات فردي، گوش دنيا را کر کرده است!

وقتي اعتراض عليه نويسنده‌يي است که وقیحانه به مقدسات يك ميليارد مسلمان دشنام داده، آنان طرفدار آزادي بيان و عقیده‌ي فردي مي‌شوند؛ اما وقتي سخن از زن يا دخترچه‌ي مسلماني است که مي‌خواهد بر طبق عقیده‌ي مذهبي خود لباس بپوشد، ديگر آزادي فردي از ياد مي‌رود و همه چيز رنگ ديگري مي‌يابد و هرگونه حرکت ضد اخلاقي و ضد آزاديها و حقوق فردي، نام مبارزه با ارتجاع مي‌گيرد! اف باد بر رياکاران دروغگو و منافق!

در بسياري از کشورهاي اروپايي، اقليت مسلمان مورد آزار و تبعيض و تحقير قرار مي‌گيرد؛ اما آنها که در همه‌ي امور کشورهاي ديگر زير عنوان دفاع از حقوق بشر دخالت مي‌کنند و حتي از تحريك انگيزه‌هاي قومي و مذهبي در

مواردی که لازم بدانند، ابا نمي‌کنند، کمترین اشاره‌يي به حق تضييع شده‌ي اين مظلومان نکرده، با سکوت و احيانا

عمل خود، به ستمي که بر مسلمين مي‌رود، مهر تأييد مي‌زنند. در برخي کشورهاي آسيايي هم اقليتهاي بزرگ

مسلمان دچار همين سرنوشتند و چنان که همه مي‌دانند، امروز جامعه‌ي مسلمين هند با ستمي وسيع و بي‌مهيار روبه‌روست.



در نقاط مختلف جهان، دشمنان اسلام به مساجد - که پایگاه حریت انسان و جایگاه رابطه‌ی او با خدا و مرکزی برای کسب آگاهی از شیطنتهای شیاطین زر و زور است - با بغض و کینه‌ی عمیق می‌نگرند و تا آن‌جا که بتوانند، با وجود حضور و فعالیت آنها ستیزه می‌کنند. هم‌اکنون مسجدالاقصی، قبله‌ی دوم مسلمین - که بحمدالله پایگاه بیداری و مبارزه نیز شده است - مورد جسارت صهیونیستهای پلید قرار گرفته، و در فرانسه و هند نیز مسجد در معرض اهانت و تخریب واقع شده است.

مجموع این حوادث و نظایر فراوان آن، بروشنی این حقیقت هشداردهنده را مجسم می‌سازد که امروز قدرتمداران عالم و اداره‌کنندگان نظام سلطه در جهان، اسلام را خطری بزرگ می‌شمارند و تجدید حیات اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در ایران، نه تنها برای منافع منطقه‌ی، بلکه برای منافع جهانی خود که عملاً در حفظ و استقرار نظام سلطه - یعنی تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر - متبلور شده است، تهدیدی جدی به حساب می‌آورند، و بر این اساس با همه‌ی توان خود به مصاف اسلام آمده، و بیش از همه با سرچشمه‌ی امیدبخش این فیض الهی - یعنی انقلاب پیروز اسلامی و نظام مقدس اسلامی در ایران - دشمنی و عناد می‌ورزند.

دانستن این حقیقت و توجه به ابعاد گوناگون آن، هوشیاری و عزم و جدیت عموم ملت ایران و مسلمانان جهان را در چگونگی مقابله با توطئه‌هایی که از سوی دشمن طراحی می‌شود، طلب می‌کند. ملت ما البته در طول دهساله‌ی گذشته با انواع توطئه‌های دشمنان آشنا شده و با آنها دست و پنجه نرم کرده و بحمدالله بر بیشتر آنها فایق هم شده است؛ و سنت مسلم الهی آن است که در چنین میدانی - در میدانی که ملتی مؤمن و انقلابی و برحق و هوشیار و بااراده، در آن با دشمنانی مادی و زورگو و نابحق و شیطان‌صفت مبارزه می‌کند - پیروزی از آن جبهه‌ی حق است که از کمک خدا و اراده‌ی راسخ و روح فداکاری برخوردار است؛ و این همان چیزی است که ما در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب تا امروز تجربه کرده‌ایم؛ و همان چیزی است که در سراسر تاریخ نبوتها تحقق یافته و قرآن بارها از آن خبر داده است.

ولی شرط پیروزی، اتکال و اعتماد به خدا، هوشیار و جدی و آماده بودن، حفظ وحدت، و فریب تبلیغات دشمن را نخوردن است. امروز یکی از تلاشهای دشمنان صرف آن می‌شود که نور امید را در دل ملت ما خاموش کنند و آنان را به اوضاع کشور و به دست‌اندرکاران و مجریان امور بدبین سازند. فاصله‌ی که دشمنان ملت مایلند میان ملت و دولت به وجود آید، همان چیزی است که اگر خدای نخواستہ موفق شوند، دست آنان و ایادی حقیر و ریاکار و خبیث آنان در داخل را برای ضربه‌زدن به کشور و انقلاب باز خواهد کرد. این، هدف همیشه‌ی دشمن بوده و هست؛ و لذا اصرار همیشه‌ی امام فقید و عظیم آن بود که پیوند میان ملت و مجریان امور مستحکمتر شود.

در دوران سازندگی، اگر دولت بتواند مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی هشت‌ساله و نیز مشکلات تحمیل شده از سوی دشمنان خارجی را برطرف ساخته و نظام اسلامی را پاسخگویی نیازهای مادی و معنوی ملت بسازد - که به خواست خدا و دعای حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست - بزرگترین ضربه بر استکبار جهانی وارد خواهد آمد که همواره می‌خواستہ نظام اسلامی را ناتوان از اداره‌ی صحیح و کامل کشور معرفی کند و به همین منظور هم جنگ و دیگر مشکلات را بر کشور ما تحمیل می‌کرده است. پس، پیروزی شما ملت رشید در امر بازسازی، به معنای ناکامی استکبار و پیروزی انقلاب است، و این مقصود جز با همکاری صمیمانه و همه‌جانبه‌ی مردم و صبر و عزم انقلابی آنان ممکن نیست. لذا به همان اندازه که دشمن بر جدایی میان قشرهای مردم و بالخصوص میان مردم و مسؤولان اصرار می‌ورزد، ملت باید بر همکاری و همدلی میان قشرهای مردم و بالخصوص میان دولت و ملت اصرار داشته باشند و با هوشیاری تمام، القائات موزیانه‌ی دشمنان را شناخته، در جهت مقابل آن حرکت کنند.

اکنون برای تذکر و توجه عموم ملت عزیز، نکاتی را به اختصار یادآور می‌شوم:



- 1) بسیج برای دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آمد. آمادگی برای دفاع، امروز و همیشه یک وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی و ملی است. بنابراین، نیروی مقاومت بسیج باید کار جذب و سازماندهی بسیجیان عزیز را با برنامه‌ریزی صحیح ادامه دهد و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را میسر و عملی سازد. مسؤولین محترم دولتی و قضایی نیز موظفند ضمن کمک به اجرای برنامه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تکمیل و تقویت ارتش بیست‌میلیونی، مشکلات آحاد بسیجی در دستگاه‌های دولتی را به شکل ویژه حل کرده، عزیزانی را که با عرضه کردن جان خود از انقلاب و کشور حراست کرده‌اند، با توسل به روش‌های معمول اداری و کاغذبازیهایی رایج آورده نکنند و خدای نخواستہ موجب دلسردی این پشتوانه‌های اطمینانبخش انقلاب و کشور نشوند. چنین رفتاری از هر یک از مأموران اجرایی و قضایی، تخلف و موجب مؤاخذہ است.
 - 2) امروز بسیج عناصر مؤمن و فداکار، علاوه بر دفاع مسلحانه از کشور و انقلاب، باید سازندگی کشور را نیز هدف دیگر خود قرار دهد. امروز، روزی است که همه‌ی نیروها باید همه‌ی سرمایه‌های علمی، فکری، تخصصی، تجربی، مادی و معنوی خود را همچون بسیجیان میدان جنگ، پشت سر دولت به میدان سازندگی وارد کنند؛ دولت به شکل بسیجی عمل کرده و نیروهای کارآمد بسیجی را به حضور در میدان سازندگی تشویق کند و با برنامه‌ریزی جامع، جایگاه هر قشر و هر فردی را در جهاد بازسازی کشور معین کند، و آحاد مردم نیز با ترجیح مصلحت سازندگی بر مصالح شخصی، فداکارانه در این میدان مجاهدت کنند.
 - 3) ما همان‌طور که در جنگ جدی و مصمم بودیم، در رعایت آتش‌بس و حرکت به سمت صلحی پایدار نیز جدی و مصممیم؛ لیکن روند مذاکرات نشان می‌دهد که رژیم عراق آماده‌ی قبول حق نیست و در پشت میز مذاکره نیز با همان روحیه‌ی تجاوزطلبی میدان جنگ سخن می‌گوید. لذا علاوه بر ارتش و سپاه، بسیجیان سلحشور و هسته‌های مقاومت نیز باید همواره آماده و هوشیار باشند، تا در صورت لزوم، به وظیفه‌ی دفاع مقدس قیام کنند.
 - 4) وحدت عمومی مردم، مظهر فضل الهی و پربرکت‌ترین سرمایه‌ی ملت ماست. همه باید سعی بر حفظ این سرمایه داشته باشند و به هیچ‌کس اجازه داده نشود که با پراکندن بذر اختلاف و عداوت، این موهبت الهی و این سرمایه‌ی بی‌بدیل را به آتش بکشد. اختلاف سلیقه و نظر سیاسی و اقتصادی و اختلاف در تشخیص مصالح، میان برادرانی که در اصول انقلاب و اسلام همدل و همفکرند، نباید به خصومت و تنازع و کشمکش بینجامد.
 - 5) همه‌ی آحاد ملت عزیز را به روح خوشبینی برادرانه میان برادران، و سوءظن هوشیارانه نسبت به بیگانگان و دشمنان دعوت می‌کنم. اگر تبلیغات استکبار سعی بر ایجاد فضای سوءظن و بددلی در داخل کشور دارد، ما باید علی‌رغم خواست و از روی سوءظن به او، هر گمان بد نسبت به برادران اسلامی و انقلابی خود را از دل و از فضای جامعه بزداییم. مخصوصاً گویندگان و نویسندگان و آنان که در خود شایستگی آن را می‌بینند که با مردم و برای مردم سخن بگویند، باید مراقب باشند که به سود استکبار و همزبان با تبلیغات استکباری، فضای زندگی مردم را به بدبینی و بددلی آلوده نکنند، و نوای امید و نشاط سردهند.
 - 6) تبلیغات امریکایی و همدستانشان می‌خواهند القاء کنند که در ایران، دوران جوشش انقلاب بسر آمده و انقلاب راه گذشته‌ی خود را تغییر داده است. علی‌رغم دشمن اعلام می‌کنیم و همه باید عملاً و قولاً نشان دهند که انقلاب اسلامی راه مبارزه با ظلم و استکبار و فساد را رها نکرده و هرگز نخواهد کرد. اگر قلدران عالم، خوش‌خیالانه گمان می‌کنند که این سنگر مظلومان و این مدافع مستضعفان و این پایگاه مبارزه با نظام سلطه و ظلم و استکبار جهانی، لحظه‌ی هدف‌های بزرگ خود را از یاد خواهد برد، سخت در اشتباهند.
- ما همچنان و همیشه مدافع ملت‌های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود. ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین، بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود، و به برادران فلسطینی خود توصیه می‌کنیم که راه خدا - یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش - را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی



دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما، دفاع از فلسطین را فریضه‌ی دینی می‌شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست‌نیافتنی نمی‌دانند. ما همواره از حق ملت مظلوم افغانستان در برابر آنان که با او به زور یا تزویر عمل کرده‌اند، دفاع خواهیم کرد و معتقدیم ملت افغان که با نثار خون هزاران شهید توانسته نیروهای بیگانه را از خانه خود بیرون براند، در سایه‌ی توکل به خدا و قطع امید از قدرتهای مداخله‌گر و کسانی که به آنان خدمت می‌کنند، خواهد توانست نظام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مبتنی بر خواست و اراده‌ی ملت را در کشور خود مستقر نماید. ما خود را همواره نسبت به ملت مقاوم و مظلوم لبنان که دستخوش توطئه‌ی مشترک صهیونی، مارونی، امریکایی است، دارای تکلیف دانسته‌ایم و خواهیم دانست. این، راه ما و وصیت امام عظیم‌الشأن ما و دستور اسلام ماست و بدان همواره وفادار خواهیم ماند.

7) این جانب از این که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم؛ و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم. آنان که تجملات و زیاده‌یهای غیرضرور و ولخرج‌مابانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند، به خود آیند و به انفاق روی آورند؛ و آنان که با سختی و تنگدستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل می‌کنند، از این امر خسارتبار دست بکشند. برای متمکنین، میانه‌روی؛ و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی؛ و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه‌ی انقلابی و رسمی اسلامی است.

از خداوند توفیق همگان را در راه هدفهای والای انقلاب اسلامی عزیزمان درخواست می‌کنم. به روان پاک امام و قائد بزرگمان درود می‌فرستم و علو درجات شهدای عزیز، بویژه شهدای بسیج را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سید علی حسینی خامنه‌ای
دوم آذر ماه 1368